

آینده روابط ایران و انگلستان در پرتو تحولات حزب کارگر

محمود جوادى؛ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای (گرایش اروپا)

۲۶ اسفند ۱۳۹۴

شماره مسلسل: ۳۳۰۰۱۸۸

شماره شاپا: ۵۲۸۵-۲۴۲۳

تبیین موضوع

همزمان با سفر وزیر خارجه انگلستان به ایران و بازگشایی مجدد سفارتخانه‌های دو کشور در پایتخت‌ها، انتظارات به آغاز فصل جدیدی از روابط میان ایران و انگلیس پایان یافت و امیدها برای بهبود مناسبات دو کشور افزایش یافته است. همچنین، گفته می‌شود سفرای دو کشور ایران و انگلستان حداکثر تا پایان سال جاری (۱۳۹۴) در محل‌های مأموریت خود مستقر شده و روابط دو کشور پس از لغو تحریم‌ها و بازگشایی کامل سفارتخانه‌ها وارد فاز جدیدی خواهد شد. با این حال، محتمل است رویکردهای دو طرف نسبت به یکدیگر در گذشته‌های نه‌چندان دور بر مسیر همکاری‌ها در آینده تأثیر گذارد. این موضوع نه‌تنها از سوی مقامات ایران بلکه در اظهارات مقامات انگلیسی نیز قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، در فردای عزیمت از ایران، وزیر خارجه انگلستان در یادداشت خود در روزنامه ایران نوشت: «روابط ایران و بریتانیا پیشینه‌ای طولانی، پیچیده، و اغلب دشوار دارد. من انتظار ندارم تمام مشکلات یک‌شبه حل‌وفصل شوند. اما امروز ما چالش‌های مشترک بسیاری پیش رو داریم: سر برآوردن داعش در عراق و سوریه، بی‌ثباتی در افغانستان، تجارت مواد مخدر، و تغییر آب‌وهوا و اقلیم زمین... من انتظار ندارم روابط ما با ایران از این پس برای همیشه فارغ از هر فراز و نشیبی پیش رود. اما به آینده امیدوارم»^۱. وزیر امور خارجه ایران نیز در سفر اخیر خود به لندن (بهمن ۱۳۹۴) به‌منظور حضور در کنفرانس سوریه، در دیدار با مقامات ارشد انگلیس،

پیشینه روابط میان دو کشور را یادآور شد و ابراز امیدواری کرد که رفتار انگلستان به‌گونه‌ای نباشد که این پیشینه بر آینده تعاملات دو کشور سایه افکند.

اگرچه از یک‌سو، بدبینی مسئولان ایرانی نسبت به سیاست انگلستان در قبال ایران کماکان پابرجاست و از سوی دیگر، وزیر خارجه انگلستان بسیار دیر هنگام به ایران سفر کرد و رهبران اقتصادی این کشور، در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی، کماکان با دیده تردید به همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور می‌نگرند، لکن تحرکات اخیر از سوی دو طرف همچون بازگشایی مجدد سفارتخانه‌ها، حضور وزیر خارجه انگلیس در ایران، سفر معاون وزیر خارجه این کشور به همراه یک هیئت اقتصادی به ایران، دیدار معاون عربی و آفریقایی وزیر امور خارجه ایران از انگلستان و رایزنی با مقامات ارشد سیاسی و امنیتی و پارلمانی انگلستان پیرامون بحران‌های منطقه‌ای، سفرهای متعدد هیئت پارلمانی انگلیس به تهران و نهایتاً انتخاب سفرای دو کشور تا پایان سال جاری نشانه‌هایی از این موضوع است که ماهیت روابط از سطح «امنیتی» به سطح «سیاسی» تغییر یافته و دو کشور، نقش سنتی و تأثیرگذار یکدیگر در منطقه خاورمیانه را به رسمیت شناخته‌اند.

تغییر نگرش خصمانه به رویکردهای همکاری جویانه و بازگشت نوع تعاملات به سطح عادی و دیپلماتیک حاکی از این موضوع است که از این پس دو طرف سعی خواهند داشت با توجه به ظرفیت‌های موجود و دستور کارهای از پیش تعیین شده، در فرصت‌های مقتضی و مناسب، در جوامع اجتماعی و ساختار سیاسی یکدیگر (سیاست داخلی) ورود کرده و بر رویکردهای یکدیگر نسبت به تحولات خاورمیانه (سیاست خارجی) تأثیر گذارند. در حال حاضر، رهبری جدید حزب کارگر از جمله موضوعاتی است که جمهوری اسلامی معتقد به بهره‌برداری از آن در دو سطح داخلی و منطقه‌ای است. اگرچه سیاست خارجی فعالانه ایران در دوره جدید را باید به فال نیک گرفت، اما با توجه به شواهد موجود، تصورات ایران پیرامون همکاری با رهبر جدید حزب کارگر بر مبنای ناصحیحی ابتناء یافته که لاجرم بر راهبرد ایران در قبال انگلیس تأثیر خواهد گذاشت.

۱- فیلیپ هاموند، ۳ شهریور ۱۳۹۴، جسارت ایرانیان در آزمودن شیوه‌های نو، یادداشت مهمان، روزنامه ایران.

رهبر جدید حزب کارگر: تصورات

همواره این اعتقاد در ایران وجود داشته که دو حزب اصلی محافظه‌کار و کارگر در انگلستان نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی این کشور ایفا می‌کنند. از این رو، انتخاب یک سیاستمدار تندروی ضد ساختار به رهبری حزب کارگر این تصور را نزد قاطبه‌ی رسانه‌ها، نخبگان و سیاسیون ایرانی به وجود آورده که سیاست داخلی این کشور دستخوش تحولات جدی شده است.

همچنین، با استناد به اظهارات پیشین جرمی کور بین، این تصور ایجاد شده که وی از «دوستان ایران و محور مقاومت» و از «دشمنان سرسخت رژیم اسرائیل» است. مضاف بر این، انتخاب چنین شخصی با تفکرات خاص خود به‌عنوان رهبر جدید حزب کارگر، این تلقی را در ایران به وجود آورده که نارضایتی عمومی از ساختار سیاسی انگلستان به نقطه حساسی رسیده و گرایش مردم به کور بین «سراغاز تدریجی چالش‌های سیاسی و مردمی متعدد» در انگلستان است.

رهبر جدید حزب کارگر

واقعیات این موضوع که جرمی کور بین و دیدگاه‌های وی تا چه اندازه می‌تواند به نفع ایران تمام شود، جای بحث دارد و حتی این احتمال وجود دارد تمامی تصورات کنونی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، در آینده تحقق یابد. با این حال، نگاهی به روند انتخاب کور بین به‌عنوان رهبر جدید حزب کارگر و چالش‌های وی از زمان تصدی این پست، حکایت از واقعیات دیگری دارد.

عنوان رهبر جدید حزب کارگر و چالش‌های وی از زمان تصدی این پست، حکایت از واقعیات دیگری دارد.

پس از ناکامی حزب کارگر در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۵ و کناره‌گیری اد میلیبند از رهبری حزب، انتخابات درون‌حزبی برای تعیین جانشین وی در ۲۱ شهریور ۱۳۹۴ (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵) برگزار شد که نهایتاً جرمی کور بین ۶۶ ساله با اخذ ۶۰ درصد آراء، به‌عنوان رهبر جدید حزب کارگر انتخاب شد. بررسی روند انتخاب کور بین و چالش‌های وی در مقام رهبر حزب در بازتعریف «تصورات ایرانی» از شخص کور بین بسیار حائز اهمیت است.

بر اساس قوانین درون‌حزبی، هر نامزد رهبری حزب کارگر باید حداقل ۳۵ امضا از نمایندگان مجلس عوام انگلیس کسب نماید تا بتواند به‌عنوان کاندیدای رهبری حزب ثبت‌نام نماید. به دلیل رویکردهای سوسیالیستی، ملی‌گرایانه و به‌شدت منتقدانه، جرمی کور بین در دقایق پایانی مهلت اعلام‌شده توانسته بود حدنصاب لازم (۳۵ امضا) برای نامزدی در انتخابات درون‌حزبی را کسب نماید. با این استدلال که وی شانس چندانی برای پیروزی نداشته و صرفاً از این اقدام به دنبال تکثرگرایی درون‌حزبی بودند، بیش از نیمی از نمایندگان حامی وی نهایتاً از دیگر نامزدهای رهبری حزب کارگر حمایت کردند.^۲

با وجود عدم حمایت سیاسی از سوی اعضای مجلس عوام، کور بین و تفکرات وی از پایگاه و مقبولیت اجتماعی مناسبی برخوردار بوده است. از یک‌سو، نارضایتی مردم بخصوص جوانان از سیاستمداران انگلیسی، بی‌میلی جوانان به حضور در صحنه سیاست^۳، رشد هزینه‌های زندگی و کاهش درآمدها، افزایش هزینه‌های تحصیلی، و از سوی دیگر، شخصیت کاریزماتیک کور بین، گفتمان جدید و ضد ساختار وی، حمایت از سیاست‌های رفاهی و ملی‌گرایانه و مخالفت با سیاست‌های مداخله‌جویانه باعث شد تا از میان چهار نامزد حزب کارگر، اعضای حزب بخصوص جوانان به سمت کور بین گرایش پیدا کنند. با این حال، این نکته نیز در برهه‌ای از زمان در سطح رسانه‌های انگلیسی مطرح شد که شهروندان انگلیسی تنها با پرداخت سه پوند و تأیید «اهداف و ارزش‌های حزب کارگر» به عضویت وابسته حزب درآمده‌اند. به‌طور کلی، افزایش ۷۰ درصدی اعضای حزب^۴ در کنار عوامل فوق باعث شد تا کور بین از شانس بالایی در کسب رهبری حزب برخوردار شود.^۵

2 - Andrew Hammond, 14 September 2015, "The New Old Labour: Jeremy Corbyn's Unlikely Rise". Foreign Affairs.

۳- بر اساس نتایج یک نظرسنجی که پیش از انتخابات سراسری سال ۲۰۱۵ برگزار شده بود، صرفاً ۲۴ درصد از جوانان زیر ۲۵ سال ابزار تمایل به شرکت در این انتخابات کرده بودند.

۴- اعضای دائم حزب کارگر از ۱۹۴ هزار نفر در زمان انتخابات سراسری سال ۲۰۱۵ به ۲۸۲ هزار نفر در زمان انتخابات درون حزبی رسید.

5 - James Wlash & Frances Perraudin, 20 August 2015, "Labour Leadership Election: Rejected Supporters Express Their Anger", The Guardian.

نامی‌ها به درون مرزهای اروپا، بیش از شصت تن از نمایندگان حزب کارگر در پارلمان انگلیس - در مخالفت با رهبری حزب - به طرح دولت محافظه‌کار مبنی بر حمله هوایی به مواضع تروریست‌ها در خاک سوریه رأی مثبت دادند.^۸

از این قبیل عقب‌نشینی‌ها و چالش‌های درون‌حزبی نمونه‌های متعدد دیگری قابل اشاره هست، اما بحث پیرامون این موضوع است که کور بین تا چه اندازه می‌تواند تفکرات خود را به‌عنوان رهبر حزب پیاده و اجرا نماید. این سؤال نیز قابل توجه است که آیا ظرفیت همکاری ایران با اصلی‌ترین حزب اپوزیسیون انگلستان میسر و عقلانی است یا خیر.

ایران و تحولات حزب کارگر

با وجود آنکه شخصیت کور بین به‌گونه‌ای است که بعید به نظر می‌رسد در دیدگاه‌های شخصی خود تغییراتی ایجاد کند، لکن برای حضور در مسند قدرت و حفظ انسجام حزبی نیاز دارد تا تفکرات خود را تعدیل نماید. از این رو، این تصورات خوش‌بینانه در سطح ایران که می‌توان با شخصی که در رسانه دولتی PressTV برنامه اجرا کرده و از سوی دیگر، حامی محور مقاومت و سیاست‌های ایران و مخالف جدی سیاست‌های اسرائیل در منطقه است، به‌سادگی وارد تعامل شد و از این طریق ابزار فشاری بر دولت انگلستان در راستای تعدیل سیاست‌های دوجانبه و منطقه‌ای این کشور ایجاد کرد، چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. به‌طور کلی، این موضوع باید همواره مورد توجه باشد که سیاست خارجی انگلستان چندان درون پارلمان شکل نمی‌گیرد و عوامل گوناگون داخلی و خارجی بر ایجاد رویه‌های سیاست خارجی این کشور تأثیرگذار هستند. قابل توجه است که از زمان ایجاد پُست مشاور امنیت ملی در کابینه دولت انگلستان در سال ۲۰۱۰، سیاست خارجی و امنیتی این کشور هر چه بیشتر در دفتر نخست‌وزیری متمرکز شده و جایگاه سنتی پارلمان در عرصه تصمیم‌سازی در حوزه‌های خارجی، امنیتی و نظامی به حاشیه رفته است. از این رو، در شرایطی که زمینه‌های

صحنه تحولات درون‌حزبی بعد از انتخاب کور بین به رهبری حزب کارگر حکایت از آن داشت که حمایت سیاسی بیش از مقبولیت اجتماعی در پیشبرد تفکرات و اولویت‌های وی نقش داشته است. به‌عبارت‌دیگر، شهروندان انگلیسی بخصوص جوانان به دیدگاه‌ها و شعارهای کور بین رأی دادند، اما آنچه باعث می‌شود این دیدگاه‌ها و شعارها اجرا گردند، حمایت سیاسی از سوی هم‌حزبی‌ها در وهله نخست و پس‌از آن، دیگر اعضای پارلمان است؛ امری که حداقل کور بین پیش از انتخابات از آن بهره‌مند نشد. با این حال، جرمی کور بین پس از کسب رهبری حزب کارگر نیز نتوانست حمایت قاطع سیاسی در پیشبرد دیدگاه‌های خود را به دست آورد.

از جمله شعارهای ثابت و قدیمی رهبر جدید حزب کارگر، برچیده شدن موشک‌های سامانه اتمی ترایدنت انگلستان بوده است. با این حال، دو هفته پس از برگزاری انتخابات حزب کارگر و درائتای برگزاری کنفرانس سالانه این حزب در منطقه برایتون انگلیس، تنها ۷,۱ درصد از شرکت‌کنندگان در کنفرانس سالانه خواستار بحث درباره برچیده شدن سامانه اتمی ترایدنت شدند. لذا در نخستین قدم، یکی از دیدگاه‌های کور بین (برچیدن ترایدنت) که باعث جلب رأی بسیاری از شهروندان انگلیسی شده بود، عملاً با شکست روبه‌رو گردید.^۹ نمونه دیگری از چالش‌های درون‌حزبی مربوط به حمایت نمایندگان حزب کارگر در مجلس عوام از حضور نظامی دولت انگلیس در سوریه است. کور بین همواره در پیش و پس از انتخابات رهبری حزب، منتقد اصلی سیاست‌های دولت متبوع خود و دیگر قدرت‌های جهانی در قبال سوریه بوده و راهکار نظامی را فاقد هرگونه وجهت قانونی و کارآمدی بلندمدت دانسته است. مضافاً آنکه وی معتقد است حضور نظامی در کشورهای دیگر، انگلستان را با مخاطرات جدی تروریسم مواجه می‌کند.^{۱۰} لیکن، با توجه به سیل عظیم مهاجران به سمت کشورهای اروپایی، تحول در صحنه عملیاتی و تسری

6 - Nicholas Watt & Rowena Mason, 28 September 2015, "Jeremy Corbyn Suffers Blow as Trident Vote Rejected at Conference", The Guardian.

7 - Andrew Grice, 20 November 2015, "Jeremy Corbyn: Interventions in Middle East 'have increased terror threat in Britain' ", The Independent.

8 - Andrew Sparrow & Frances Perraudin, 2 December 2015, "Cameron wins Syria airstrikes vote by majority of ۱۷۴ - as it happened", The Guardian.

همکاری سیاسی میان ایران و انگلستان در عرصه‌ی دوجانبه و منطقه‌ای به تدریج در حال شکل‌گیری و قوام است، تمرکز دستگاه دیپلماسی و سفارتخانه ایران در لندن بر گسترش روابط با احزاب اپوزیسیون انگلستان، سیاست صحیح و اصولی به نظر نمی‌رسد.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.